

مروری بر نقش مالیات و رقابت در بازار محصول در رشد اقتصادی

سمیه صائب نیا

گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

امیر حسین بیرامی

دانشجوی کارشناسی، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

حسین رهبر

دانشجوی کارشناسی، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

محمد رضا ابولحسنی

دانشجوی کارشناسی، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

چکیده

رشد اقتصادی پایدار یکی از اهداف اساسی سیاست گذاری اقتصادی است و در این میان، نظام مالیاتی و درجه رقابت در بازار محصول از مهم ترین عوامل تعیین کننده آن به شمار می روند. پژوهش حاضر با رویکردی مروری، به بررسی و جمع بندی ادبیات نظری و تجربی مرتبط با اثرات مالیات و رقابت بازار محصول بر رشد اقتصادی می پردازد. نتایج مطالعات نشان می دهد که ساختار و کارایی نظام مالیاتی می تواند از طریق تأثیر بر انگیزه های سرمایه گذاری، نوآوری و بهره وری، مسیر رشد اقتصادی را تقویت یا تضعیف کند. از سوی دیگر، افزایش رقابت در بازار محصول با کاهش ناکارایی ها، ارتقای بهره وری بنگاه ها و تسهیل نوآوری، نقش مکملی در ارتقای اثرگذاری سیاست های مالیاتی ایفا می کند. شواهد تجربی بیانگر آن است که تعامل میان سیاست های مالیاتی و شدت رقابت بازار، اثری معنادار و غیرخطی بر رشد اقتصادی دارد. بر این اساس، طراحی هماهنگ سیاست های مالیاتی و رقابتی می تواند به عنوان ابزاری مؤثر در دستیابی به رشد اقتصادی پایدار مورد توجه سیاست گذاران قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مالیات، رقابت در بازار محصول، رشد اقتصادی

مقدمه

مالیات به عنوان یکی از اصلی ترین ابزارهای سیاست مالی، از جایگاه ویژه ای در سیاست گذاری های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برخوردار است. تعریف، تعیین و اجرای نظام مالیاتی به دلیل چندبعدی بودن آن، فرایندی پیچیده و تأثیرگذار بر ساختار اقتصادی کشورها به شمار می رود (عرب مازار، ۱۳۸۲). از گذشته های دور، تأمین هزینه های عمومی و مخارج حکومتی نیازمند برقراری نوعی مالیات از مردم بوده است. در دوران معاصر، یکی از مهم ترین انواع مالیات ها، مالیات بر ارزش افزوده است که نوعی مالیات چندمرحله ای بر فروش کالا و خدمات محسوب می شود و در نهایت بر عهده مصرف کننده نهایی است (عرب مازار، ۱۳۹۶).

مالیات ها به دلیل تأثیر بر بازده سرمایه گذاری های فیزیکی و انسانی، می توانند بر تصمیم گیری های اقتصادی عوامل تولید و نهایتاً بر نرخ رشد اقتصادی اثرگذار باشند (جعفری صمیمی و همکاران، ۱۳۷۹). بر اساس نظریه بارو، بار تکفل جمعیت — شامل سهم افراد جوان و سالمند — از عواملی است که در تعیین نرخ رشد اقتصادی مؤثر است (کیهانی حکمت، ۱۳۸۲). همچنین، بازارهای مالی و نحوه عملکرد آن ها نقشی کلیدی در رشد اقتصادی ایفا می کنند (نظیفی، بی تا).

در مدل های رشد درون زاء، سرمایه انسانی و انباشت آن نقش محوری در پایداری رشد اقتصادی دارند (کمیجانی و معمارنژاد، ۱۳۸۰). از این منظر، نظام مالیاتی کارآمد با تقویت انگیزه های سرمایه گذاری و نوآوری، می تواند به رشد اقتصادی کمک کند. در بسیاری از کشورها، تا بیش از ۹۵ درصد از هزینه های عمومی از طریق درآمدهای مالیاتی تأمین می شود (صادقی و همکاران، بی تا). بنابراین، طراحی سیاست های مالیاتی

هوشمند و سازگار با اهداف کلان اقتصادی، برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و کاهش نوسانات اقتصادی ضروری است (بزرایی و همکاران، بی تا). افزون بر این، سود به عنوان خروجی نهایی فعالیت های اقتصادی و حسابداری، تحت تأثیر مستقیم سیاست های مالیاتی قرار دارد (میرزایی و همکاران، بی تا).

بر این اساس، این پژوهش با هدف مرور نظام مند یافته های نظری و تجربی پیرامون تأثیر مالیات و رقابت در بازار محصول بر رشد اقتصادی انجام شده است. بررسی تعامل این دو متغیر، می تواند به درک بهتر سازوکارهای اثرگذاری سیاست های مالی بر پویایی بازار و مسیر رشد اقتصادی کمک کند.

مبانی نظری

مالیات

مالیات مقوله ای چندبعدی با جنبه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که تعریف و تبیین آن از پیچیدگی خاصی برخوردار می باشد. از دیرباز تأمین مخارج حکومتی و عمومی مستلزم برقراری و وصول نوعی مالیات از مردم بوده است. در مفهوم امروزی، مالیات مبلغی است که دولت بر اساس قانون از اشخاص حقیقی و حقوقی دریافت می کند تا هزینه های عمومی، اجتماعی و عمرانی کشور را تأمین نماید. پرداخت مالیات اجباری است و در مقابل آن خدمت مستقیمی به پرداخت کننده ارائه نمی شود (عرب مازار، ۱۳۸۶).

به طور کلی، مالیات یکی از مهم ترین ابزارهای دولت برای تأمین درآمد، تنظیم ساختار اقتصادی، حفظ تعادل توزیع درآمد و مدیریت رفتارهای اقتصادی جامعه محسوب می شود. افزون بر کارکرد درآمدزایی، مالیات نقش مهمی در هدایت فعالیت های تولیدی و مصرفی به سمت اهداف کلان اقتصادی دارد. در ادبیات جهانی نیز مالیات به عنوان یکی از ستون های اصلی شکل دهنده سیاست های مالی مطرح است و از دیدگاه Stiglitz (۲۰۱۹) و Gayer & Rosen (۲۰۲۲) ابزار کلیدی دولت ها برای اصلاح شکست های بازار و تأمین کالاهای عمومی تلقی می شود.

مفهوم و تاریخچه مالیات

در طول تاریخ، همواره دولت ها برای تأمین هزینه های جاری، نظامی و عمرانی خویش از طریق اخذ مالیات از مردم اقدام نموده اند. نوع و میزان مالیات ها غالباً متناسب با ساختار اقتصادی و اجتماعی هر دوره تاریخی متفاوت بوده است. در جوامع پیش صنعتی، مالیات معمولاً به صورت عوارض مستقیم بر زمین، املاک، یا دارایی های فیزیکی اخذ می شد، در حالی که در عصر جدید با گسترش اقتصاد بازار و توسعه بخش خدمات، مالیات های غیرمستقیم از جمله مالیات بر ارزش افزوده، سهم برجسته های درآمدی دولت ها یافته اند (عرب مازار، ۱۳۸۶).

تحول تاریخی نظام مالیاتی را می توان در انتقال اختیار وضع و تصویب مالیات از حاکمان به نهادهای قانون گذاری مشاهده کرد. این تحول نشانه ای از گذار به دولت های قانون مدار و توسعه یافته است که در آنها ساختار اخذ مالیات بر پایه عدالت مالی و کارایی اقتصادی بنا شده است. در سطح بین المللی، مطالعاتی مانند Zee & Tanzi (۲۰۰۰) و Musgrave (۱۹۸۹) نیز تأکید دارند که تکامل نظام مالیاتی در کشورهای توسعه یافته از مرحله ای مبتنی بر درآمد دولت به مرحله ای مبتنی بر اصلاح الگوهای رفتاری اقتصادی و اجتماعی رسیده است. همچنین، بررسی روند تاریخی نشان می دهد دولت های مدرن از مالیات نه تنها برای تأمین مخارج عمومی بلکه به عنوان ابزاری مؤثر جهت تثبیت اقتصادی، کنترل تورم و تشویق رشد پایدار بهره می گیرند.

اثر مالیات بر رشد اقتصادی

مطالعات متعددی در دهه های اخیر به بررسی اثرات مالیات بر رشد اقتصادی پرداخته اند. در چارچوب نظری مدل های رشد درونزا، مالیات می تواند از طریق تأثیر بر سرمایه گذاری، انباشت سرمایه انسانی و بهره وری کل، موجب تغییر مسیر رشد اقتصادی شود. بررسی ها نشان می دهد که در مدل لوکاس (۱۹۸۸) سرمایه انسانی به عنوان عامل درون زای رشد تلقی شده و مالیات های سنگین بر درآمد یا سرمایه ممکن است با کاهش انگیزه سرمایه گذاری در آموزش و نوآوری، رشد اقتصادی را محدود سازند. لوکاس کار خود را بر پایه آثار Boskin & Feldstein

(۱۹۷۴) بنا کرده است که نشان می‌دادند مالیات بر سرمایه اثر معناداری بر موجودی سرمایه و در نتیجه بر رشد اقتصادی دارد؛ یافته‌هایی که با نتایج مدل کلاسیک سولو-سوان، که نرخ پس‌انداز را ثابت فرض می‌کند، در تضاد است (قاراخانی و همکاران، ۱۴۰۰).

در سطح بین‌المللی، پژوهش‌های گسترده‌ای نیز تأثیر ساختار مالیاتی بر رشد را بررسی کرده‌اند. Sala-i-Martin & Barro (۱۹۹۵) نشان دادند که مالیات‌های بالا بر سرمایه‌گذاری، از طریق کاهش بازده سرمایه، رشد بلندمدت را کند می‌کند. Arnold et al. (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای تجربی بر کشورهای OECD دریافتند که مالیات‌های مستقیم (مانند مالیات بر درآمد شرکت‌ها و افراد) تأثیر منفی بیشتری بر رشد نسبت به مالیات‌های غیرمستقیم دارند. همچنین، Gordon & Lee (۲۰۰۵) با داده‌های ۷۰ کشور طی دوره ۱۹۷۰-۱۹۹۷ به این نتیجه رسیدند که کاهش نرخ مالیات شرکت‌ها با افزایش سرمایه‌گذاری و رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی همراه است.

در چارچوب اقتصاد کلان، مالیات‌ها از طریق تغییر در نرخ پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و مصرف نهایی، بر عرضه و تقاضای کل اقتصاد اثرگذارند. به تعبیر Gemmell & Kneller, Bleaney (۱۹۹۹)، نوع مالیات و نحوه هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی نقش مهمی در تعیین اثر نهایی مالیات بر رشد دارد؛ به‌گونه‌ای که مالیات‌های مؤثر بر تولید و سرمایه اثر منفی دارند، در حالی که مالیات بر مصرف اگر با هزینه‌های آموزشی و زیرساختی همراه شود، می‌تواند رشد را تقویت کند.

در نتیجه، همان‌گونه که مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهند، اثر مالیات بر رشد اقتصادی وابسته به ساختار، نرخ، نوع پایه مالیاتی و کارایی نظام اخذ آن است. مالیات‌های بهینه زمانی می‌توانند رشد را تقویت نمایند که ضمن تأمین مالی دولت، انگیزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری را کاهش ندهند.

رقابت در بازار محصول

تعریف رقابت در بازار محصول

رقابت در بازار محصول به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن بنگاه‌های فعال در یک صنعت، بدون برخورداری از قدرت انحصاری، به عرضه کالاها یا خدمات مشابه پرداخته و در تعیین قیمت و شرایط بازار، تحت تأثیر رفتار سایر رقبا قرار دارند. در چنین شرایطی، هیچ بنگاهی به‌تنهایی قادر به کنترل قیمت یا مقدار تولید نیست و برای حفظ یا افزایش سهم بازار ناگزیر به بهبود کیفیت، کاهش هزینه‌ها، نوآوری و افزایش کارایی می‌باشد. بر اساس مبانی نظری اقتصاد صنعتی، هرچه موانع ورود به بازار کمتر و تمرکز بازار پایین‌تر باشد، شدت رقابت در بازار محصول افزایش یافته و ساختار بازار از حالت انحصار یا انحصار چندجانبه فاصله می‌گیرد.

در مطالعات تجربی، برای سنجش شدت رقابت در بازار محصول از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به شاخص هرفیندال-هیرشمن (HHI)، شاخص هزینه ورود به بازار و شاخص لرنر اشاره کرد. همچنین، برای اندازه‌گیری میزان اجتناب یا بار مالیاتی بنگاه‌ها، نرخ مؤثر مالیاتی به‌عنوان شاخصی متداول مورد استفاده قرار می‌گیرد (خدامی‌پور و بزرایی، ۱۳۹۴). در ادبیات بین‌المللی نیز رقابت بازار محصول به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در محدودسازی قدرت بازار شرکت‌ها و بهبود عملکرد اقتصادی شناخته می‌شود (Nickell, 1996; Aghion et al., 2005).

مفهوم رقابت و اهمیت آن

رقابت یکی از مفاهیم بنیادین علم اقتصاد است که نقش اساسی در افزایش کارایی اقتصادی و تخصیص بهینه منابع ایفا می‌کند. وجود رقابت سالم در بازار موجب کاهش قیمت‌ها، بهبود کیفیت محصولات، افزایش نوآوری و ارتقای بهره‌وری بنگاه‌ها می‌شود. در محیط‌های رقابتی، بنگاه‌ها برای بقا ناچار به استفاده بهینه از نهاده‌ها و به‌کارگیری فناوری‌های جدید هستند که این امر به افزایش رفاه مصرف‌کنندگان و رشد اقتصادی منجر می‌شود (بزرایی، ۱۳۹۴).

از منظر نظری، رقابت با کاهش ناکارایی های ناشی از قدرت انحصاری، انگیزه مدیران را برای بهبود عملکرد افزایش می دهد. Porter (۱۹۹۰) رقابت را نیروی محرکه نوآوری و مزیت رقابتی کشورها می داند. همچنین Van Reenen & Blundell, Griffith (۱۹۹۹) نشان می دهند که شدت رقابت بازار، رابطه ای مثبت با سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه دارد. از این رو، رقابت نه تنها یک سازوکار بازار، بلکه ابزاری کلیدی برای تحقق رشد پایدار و توسعه اقتصادی محسوب می شود.

رابطه رقابت در بازار محصول با رشد اقتصادی

رابطه میان رقابت در بازار محصول و رشد اقتصادی در ادبیات نظری و تجربی به طور گسترده مورد بررسی قرار گرفته است. بازارهای رقابتی معمولاً با سطح بالاتری از بهره وری کل عوامل تولید همراه هستند و این امر از طریق افزایش کارایی بنگاه ها، به رشد اقتصادی منجر می شود. Aghion et al (۲۰۰۵) نشان می دهند که رقابت، از طریق تحریک نوآوری و افزایش انگیزه بنگاه ها برای سرمایه گذاری در فناوری های جدید، رشد اقتصادی را تقویت می کند.

از سوی دیگر، سیاست های مالیاتی نقش مهمی در شکل دهی شدت رقابت بازار محصول دارند. مالیات های سنگین بر تولید و سود شرکت ها می توانند هزینه نهایی بنگاه ها را افزایش داده و قدرت رقابتی آن ها را کاهش دهند، در حالی که نظام های مالیاتی کارآمد و حمایتی می توانند زمینه رقابت سالم تر و ورود بنگاه های جدید به بازار را فراهم سازند (بزرایی، ۱۳۹۴). مطالعاتی مانند Arnold et al (۲۰۱۱) و OECD (۲۰۱۰) نشان می دهند که تعامل مناسب میان سیاست های مالیاتی و رقابت بازار محصول، اثر مثبتی بر رشد بلندمدت اقتصادی دارد. در مجموع، شواهد داخلی و خارجی حاکی از آن است که رقابت در بازار محصول، به ویژه در کنار سیاست های مالیاتی بهینه، می تواند از طریق افزایش بهره وری، نوآوری و کاهش ناکارایی ها، مسیر رشد اقتصادی را هموار سازد.

رشد اقتصادی

تعریف رشد اقتصادی

رشد اقتصادی یکی از مهم ترین شاخص های ارزیابی عملکرد اقتصاد کلان کشورها به شمار می رود و به طور معمول به صورت افزایش ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده در یک اقتصاد طی یک دوره زمانی مشخص تعریف می شود که غالباً از طریق نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی سنجیده می گردد. از دیدگاه اقتصاد کلان، رشد اقتصادی بیانگر افزایش ظرفیت تولید، بهبود سطح رفاه عمومی و ارتقای استانداردهای زندگی جامعه است.

برخی مطالعات بر نقش دولت در فرایند رشد اقتصادی تأکید دارند؛ به گونه ای که مخارج سرمایه ای دولت یا سرمایه گذاری دولتی می تواند اثرات بلندمدتی بر افزایش تولید ناخالص داخلی و ظرفیت تولید اقتصاد داشته باشد (گسکری و اقبالی، ۱۳۸۶). افزون بر این، رویکردهای نوین رشد اقتصادی بر اهمیت چارچوب های نهادی تأکید دارند. در این دیدگاه، نهادها یکی از عوامل اصلی تداوم یا ممانعت رشد اقتصادی محسوب می شوند و کیفیت نهادها، ثبات نهادی و کارایی قوانین، نقش تعیین کننده ای در تحقق رشد پایدار ایفا می کنند (قاراخانی و همکاران، ۱۴۰۰). در ادبیات بین المللی نیز رشد اقتصادی به عنوان نتیجه تعامل سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، فناوری و نهادها شناخته می شود. Barro (۱۹۹۱) و Robinson & Acemoglu, Johnson (۲۰۰۵) نشان می دهند که کشورهایی با نهادهای کارآمد و سیاست های اقتصادی باثبات، از نرخ رشد اقتصادی بالاتری برخوردار هستند. بنابراین، رشد اقتصادی صرفاً افزایش کمی تولید نبوده، بلکه بازتابی از کیفیت سیاست گذاری و ساختار نهادی اقتصاد است.

رشد اقتصادی و عوامل آن

رشد اقتصادی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، نهادی و سیاستی قرار دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به سرمایه‌گذاری فیزیکی و انسانی، پیشرفت فناوری، ثبات اقتصاد کلان، کیفیت نهادها، سیاست‌های مالی و پولی و میزان رقابت در بازارها اشاره کرد. در این میان، سیاست‌های مالیاتی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی سیاست مالی، نقشی دوگانه در رشد اقتصادی ایفا می‌کند. نحوه وضع و اجرای مالیات می‌تواند اثرات مثبت یا منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد. مالیات‌های بالا و غیرهدفمند ممکن است از طریق کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری، افزایش هزینه‌های تولید و تضعیف رقابت، رشد اقتصادی را محدود کنند؛ در حالی که مالیات‌های هدفمند و اصولی می‌توانند منابع مالی لازم برای توسعه زیرساخت‌ها، آموزش، بهداشت و خدمات عمومی را فراهم ساخته و به رشد اقتصادی کمک نمایند (قاراخانی و همکاران، ۱۴۰۰).

مطالعات خارجی نیز بر این موضوع تأکید دارند. Sala-i-Martin & Barro (۱۹۹۵) نشان می‌دهند که مالیات‌های مخرب بر سرمایه و تولید، اثر منفی بر رشد بلندمدت دارند، در حالی که مالیات‌هایی که صرف مخارج مولد می‌شوند، می‌توانند اثر خنثی یا حتی مثبت داشته باشند. همچنین Rebelo & Easterly (۱۹۹۳) و OECD (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که ساختار نظام مالیاتی و ترکیب هزینه‌های دولت، بیش از سطح کل مالیات‌ها، در تعیین مسیر رشد اقتصادی اهمیت دارد.

در مجموع، شواهد داخلی و خارجی نشان می‌دهد که دستیابی به رشد اقتصادی پایدار مستلزم طراحی نظام مالیاتی کارآمد، تقویت رقابت در بازار محصول و بهبود کیفیت نهادهای اقتصادی است. تعامل هماهنگ این عوامل می‌تواند به افزایش بهره‌وری، نوآوری و ارتقای ظرفیت تولید اقتصاد منجر شود.

پیشینه تحقیق

دکتر احمد جعفری صمیمی و علیرضا حسن زاده جزدانی (۱۳۷۹) تحقیقی با عنوان اثر مالیات بر رشد اقتصادی انجام دادند که نتایج نشان می‌دهد که در چهارچوب مدل‌های نظری رشد درونزا، اثر مالیات بر رشد اقتصادی مبهم می‌باشد. از این رو شواهد تجربی نیز، در زمینه اثر مالیات بر رشد، بررسی شده‌اند. نتایج حاصل از مطالعات تجربی، نسبت به پارامترهای به کار رفته در مدل، مقطعی با سری زمان بودن و مانند آنها بسیار حساس بوده‌اند و در مجموع نشان دهنده ضعیف بودن اثر مالیات بر رشد می‌باشد.

علی نصیری اقدام، مهدی موحدی بک نظر، محمدجواد رضایی و زینب مرتضوی فر (۱۳۹۲) تحقیقی با عنوان چگونگی تسهیل پرداخت مالیات در ایران انجام داده‌اند که نتایج نشان می‌دهند این مقاله با ارزیابی روش شناسی بانک جهانی در سنجش شاخص پرداخت مالیات به این نتیجه‌ی رسد که: (۱) با الکترونیکی کردن پرداخت مالیات حقوق و حق بیمه تأمین اجتماعی و همچنین مالیات بر ارزش افزوده می‌توان تعداد و زمان پرداخت مالیات را به نحو قابل توجهی کاهش داد؛ (۲) اگر ارتقاء رتبه یک هدف مهم باشد، با توسعه مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر جمع درآمد و در مقابل کاهش بار مالیات‌های مستقیم می‌توان رتبه ایران را بهبود بخشید؛ (۳) با توجه بهفروض «شرکت مؤدی»، زمان الزم برای پرداخت‌های تأمین اجتماعی و مالیات بر حقوق به طور معناداری کمتر از زمان مندرج در شاخص پرداخت مالیات ایران است.

حسن سحرخیز (۱۳۹۹) تحقیقی با عنوان بیمه و مالیات و ضرورت‌های آن انجام داده که نتایج نشان می‌دهد بخش‌های مختلف توسعه در هر کشور همواره مخاطراتی را به همراه دارد که می‌تواند منجر به زیان‌های اقتصادی گسترده‌ای گردد. لذا بیمه را می‌توان مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابزارهای توسعه اقتصادی دانست. پروژه‌های مهندسی نیز بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی یک کشور را تشکیل می‌دهند. به همین جهت استفاده از بیمه در این صنعت نقش ضروری ایفا می‌کند. بیمه مهندسی نوعی بیمه است که دامنه گسترده‌ای از خطراتی که مشاغل

مهندسی را تهدید میکند تحت پوشش خود قرار میدهد. این بیمه، بیمه جامعی است که در برابر تمامی خدمات از هزینه های پروژه، ماشین آلات و تجهیزات، چه در حین استراحت و چه در حین کار محافظت میکند.

حجت ایزدخواستی (۱۳۹۶) مقاله ای با عنوان مالیات بر ارزش افزوده انجام داده است که نتایج حاصل از آن نشان میدهد پایه مالیات بر ارزش افزوده اولین گام در برآورد درآمد مالیات بر ارزش افزوده است. بر اساس مبانی نظری، مالیات بر ارزش افزوده به سه نوع، تولیدی، درآمدی و مصرفی طبقه بندی میشود.

دکتر ابریشمی و محسنی (۱۳۸۲) تحقیقی با عنوان نوسانات صادرات نفتی و رشد اقتصادی انجام دادند و نتایج نشان داد که بی ثباتی صادرات نفتی در بلند مدت اثری بر تولید ناخالص داخلی نداشته، بلکه این اثر در کوتاه مدت ظاهر میشود.

دکتر کمیجانی و معمار نژاد (۱۳۸۳) تحقیقی با عنوان اهمیت کیفیت نیروی انسانی در رشد اقتصادی ایران انجام دادند و نتایج نشان داد که بدلیل حجم اندک هزینه های R&D و نیز نسبت پایین صادرات غیرنفتی به GNP و ساختار سنتی و غیر کارخانه ای آن، بین دو متغیر R&D و صادرات غیر نفتی با رشد اقتصادی در دوره زمانی مورد بررسی (۱۳۳۷-۷۸) ارتباط معنی داری پدیدار نشد ...

دکتر سوری و کیهانی حکمت (۱۳۸۲) تحقیقی با عنوان متغیرهای جمعیتی، اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران انجام دادند که نتایج نشان میدهد نه تنها متغیرهای جمعیتی بر رشد اقتصادی تاثیرگذار است بلکه اندازه دولت را نیز مشخص میکند، بار تکفل پیر و جوان با اندازه دولت رابطه مثبت دارد.

دکتر یآوری و سعادت (۱۳۸۱) تحقیقی با عنوان سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در ایران انجام دادند که نتایج نشان میدهد یک رابطه علی یک طرفه از رشد اقتصادی با نفت و سرمایه انسانی وجود دارد و همچنین یک رابطه دو طرفه بین سرمایه و رشد اقتصادی بدون نفت برقرار است.

کای ولیو (۲۰۰۷) در تحقیقی به بررسی تأثیر قدرت رقابتی شرکت بر میزان فعالیت های اجتناب از پرداخت مالیات شرکتها پرداختند. نتایجی که آنها به دست آوردند به طور قوی و سازگار نشان داد که در شرایط رقابتی تر شرکتها به فعالیت های اجتناب از پرداخت مالیات بیشتری تمایل دارند.

لینج و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی تأثیر قدرت رقابتی شرکت بر میزان فعالیت های اجتناب از پرداخت مالیات شرکتها پرداختند. محققان با استفاده از نمونه ای در بازه زمانی ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۰ و استفاده از شاخص های چندگانه برای اجتناب از پرداخت مالیات به این نتیجه رسیدند که هرچه قدرت شرکت در بازار محصول بیشتر باشد رفتار اجتناب از مالیات شرکت بیشتر می شود.

کارانا و موزر (۲۰۰۹) در تحقیق خود به بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رویه های متهورانه مالیاتی شرکت های آمریکایی پرداختند. محققان با استفاده از نمونه ای در بازه زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۸ به این نتیجه رسیدند که شرکت هایی با سطوح مالکیت نهادی بالاتر، عموماً از رویه های مالیاتی متهورانه تر استفاده می نمایند. این افراد همچنین زمانی که سرمایه گذاران نهادی را از لحاظ افق سرمایه گذاری طبقه بندی نمودند، به این نتیجه رسیدند: شرکتهایی که مالکان نهادی آنها دارای افق سرمایه گذاری کوتاه مدت هستند، رویه های مالیاتی متهورانه تری را در پیش می گیرند و برعکس شرکتهای برخوردار از مالکان نهادی با افق سرمایه گذاری بلندمدت، کمتر به سمت رویه های مالیاتی متهورانه قدم بر می دارند.

تاها وهمکاران" (۲۰۱۳) به مطالعه تجربی ارتباط بین درآمدهای مستقیم مالیاتی و تعالیت های بانکی و غیر بانکی سیستم مالی مالزی پرداخته اند. پژوهش آنها در جهت تلاش دولت مالزی برای گسترش فعالیت های سرمایه گذاری و ایجاد ثبات سیاسی برای حمایت از توسعه اقتصادی کشور بود و نتایج آن نشان می دهد که تاثیر سیستم مالی بر درآمدهای مالیاتی در کوتاه مدت بسیار عمیق تر از این تاثیر در بلندمدت است.

روش تحقیق

هدف از تحقیق حاضر، مروری بر شناخت نقش مالیات و رقابت در بازار محصول بر رشد اقتصادی است. از آنجا که این پژوهش به دنبال گردآوری، تحلیل و تلفیق یافته های نظری و تجربی پیشین در حوزه های مرتبط می باشد، از روش تحقیق کتابخانه ای و مرور نظام مند ادبیات موجود استفاده شده است.

روش کتابخانه ای یکی از شیوه های اصلی گردآوری داده ها در تحقیقات علمی محسوب می شود که در آن پژوهشگر، بدون انجام مشاهده یا آزمایش میدانی، داده های مورد نیاز خود را از میان منابع مکتوب، مستند و دیجیتالی معتبر استخراج و تجزیه و تحلیل می نماید. در این تحقیق، داده ها و اطلاعات از مجموعه ای از کتب علمی، مقالات پژوهشی داخلی و خارجی، گزارش های نهادهای اقتصادی ملی و بین المللی (مانند OECD، IMF و بانک جهانی) و سایر منابع معتبر علمی گردآوری شده اند.

در این روش، هدف صرفاً گردآوری اطلاعات نیست، بلکه تحلیل، مقایسه و تبیین روابط مفهومی و نظری میان متغیرها نیز اهمیت دارد. بر همین اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر سه محور اصلی، یعنی:

۱. سیاست های مالیاتی و اثر آنها بر رشد اقتصادی،
۲. شدت و ساختار رقابت در بازار محصول،
۳. نقش تعامل مالیات و رقابت در رشد اقتصادی،

به بررسی و تلفیق مباحث نظری و تجربی می پردازد.

فرآیند انجام تحقیق شامل مراحل زیر بوده است:

- جستجوی نظام مند منابع علمی در پایگاه هایی مانند Google Scholar، Scopus، ScienceDirect و SID.
- انتخاب و پالایش منابع مرتبط بر اساس کلیدواژه هایی مانند *economic growth*, *product market competition*, *taxation*.

- ارزیابی و تحلیل محتوای مطالعات منتخب از منظر مبانی نظری، یافته های تجربی و نتایج سیاستی،
- و در نهایت جمع بندی تطبیقی نتایج و شناسایی خلأهای پژوهشی برای پیشنهاد مسیرهای تحقیقاتی آتی.

بنابراین، با تکیه بر روش کتابخانه ای، تحقیق حاضر می کوشد **

چارچوبی نظری و تحلیلی برای تبیین نقش هم افزای سیاست های مالیاتی و رقابت در بازار محصول در رشد اقتصادی کشورها** فراهم آورد و مسیر تحقیقات آینده را در این زمینه روشن سازد.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف مروری بر نقش مالیات و رقابت در بازار محصول بر رشد اقتصادی انجام شد. یافته های به دست آمده از بررسی منابع داخلی و خارجی نشان می دهد که مالیات و رقابت دو ابزار کلیدی سیاست گذاری اقتصادی هستند که در صورت طراحی هماهنگ و مکمل، می توانند به رشد پایدار اقتصادی منجر شوند.

در بُعد مالیات، مطالعات نشان می دهند که نظام مالیاتی کارآمد، ضمن تأمین منابع مالی دولت، می تواند از طریق جهت دهی به تخصیص منابع، افزایش بهره وری بخش خصوصی و حمایت از سرمایه گذاری های مولد، زمینه رشد اقتصادی را فراهم کند. در مقابل، مالیات های بالا و ناکارآمد، انگیزه تولید و کارآفرینی را کاهش داده و آثار منفی بر رشد برجای می گذارند.

از سوی دیگر، رقابت در بازار محصول یکی از ارکان اساسی پویایی اقتصادی است. افزایش شدت رقابت موجب بهبود کارایی، کاهش قیمت‌ها، ارتقای کیفیت، و تحریک نوآوری در بنگاه‌ها می‌شود. شواهد نظری و تجربی (مانند مطالعات Porter, 1990 و Aghion et al., 2005) بیان می‌کنند که بازارهای رقابتی، از طریق افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید، رشد اقتصادی را تقویت می‌کنند. بر این اساس، تعامل دو سیاست مالیات و رقابت، می‌تواند به صورت اثر هم‌افزا عمل کند: طراحی نظام مالیاتی که انگیزه رقابت و ورود بنگاه‌های جدید به بازار را حفظ کند، ضمن ایجاد درآمدهای پایدار برای دولت، ساختار بازار را به سمت کارایی بیشتر سوق می‌دهد. ترکیب این عوامل در چارچوب نهادی مناسب، موجب پایداری رشد و کاهش نوسانات اقتصادی خواهد شد. از دیدگاه سیاست‌گذاری، نتیجه این است که کشورها باید به جای تمرکز صرف بر کاهش یا افزایش نرخ مالیات، بر کیفیت ترکیب مالیاتی، شفافیت نظام مالی، و تسهیل رقابت سالم در بازار تأکید نمایند. همچنین، نهادهای نظارتی باید سازوکاری فراهم آورند که سیاست‌های مالیاتی با سیاست‌های رقابتی و صنعتی هماهنگ اجرا شود. در نهایت، با توجه به اینکه این پژوهش از نوع مروری و کتابخانه‌ای است، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی با به‌کارگیری روش‌های تجربی و داده‌های واقعی، رابطه علی میان مالیات، رقابت بازار محصول و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف بررسی شود تا سیاست‌گذاران بتوانند بر اساس شواهد آماری و نه صرفاً نظری، تصمیم‌گیری دقیق‌تری انجام دهند.

منابع

۱. بزرایی، ع. (۱۳۹۴). رقابت در بازار و اثرات آن بر رشد اقتصادی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۵(۲)، ۷۵-۹۸.
۲. قاراخانی، س.، جعفری صمیمی، ع.، و عرب‌مازار، ب. (۱۴۰۰). نقش نهادها و سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی ایران. مجله مطالعات اقتصادی ایران، ۲۵(۴)، ۲۳-۴۶.
۳. خدای پور، ح.، و بزرایی، ع. (۱۳۹۴). شاخص‌های رقابت در بازار محصول و اثر آن بر عملکرد بنگاه‌های صنعتی ایران. فصلنامه اقتصاد و توسعه، ۳۳(۳)، ۸۹-۱۱۲.
۴. گسگری، م.، و اقبالی، م. (۱۳۸۶). تأثیر مخارج سرمایه‌ای دولت بر رشد تولید ناخالص داخلی ایران. مجله پژوهش‌های اقتصادی، ۸(۲)، ۱۱-۳۰.
۵. عرب‌مازار، ب. (۱۳۸۵). نظام مالیاتی و رشد اقتصادی ایران. تهران: انتشارات سمت.
1. Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2005). *Institutions as a fundamental cause of long-run growth*. In P. Aghion & S. Durlauf (Eds.), *Handbook of Economic Growth* (pp. 385-472). Elsevier.
2. Aghion, P., Bloom, N., Blundell, R., Griffith, R., & Howitt, P. (2005). *Competition and innovation: An inverted-U relationship*. *The Quarterly Journal of Economics*, 120(2), 701-728.
3. Arnold, J. M., Brys, B., Heady, C., Johansson, A., Schwellnus, C., & Vartia, L. (2011). *Tax policy for economic recovery and growth*. *The Economic Journal*, 121(550), F59-F80.
4. Barro, R. J. (1991). *Economic growth in a cross section of countries*. *The Quarterly Journal of Economics*, 106(2), 407-443.
5. Barro, R. J., & Sala-i-Martin, X. (1995). *Economic growth*. McGraw-Hill.
6. Blundell, R., Griffith, R., & Van Reenen, J. (1999). *Market share, market value and innovation in a panel of British manufacturing firms*. *Review of Economic Studies*, 66(3), 529-554.
7. Easterly, W., & Rebelo, S. (1993). *Fiscal policy and economic growth: An empirical investigation*. *Journal of Monetary Economics*, 32(3), 417-458.
8. Nickell, S. J. (1996). *Competition and corporate performance*. *Journal of Political Economy*, 104(4), 724-746.
9. OECD. (2010). *Tax policy reform and economic growth*. OECD Publishing.
10. Porter, M. E. (1990). *The competitive advantage of nations*. Free Press.
11. Stiglitz, J. E. (2019). *People, power, and profits: Progressive capitalism for an age of discontent*. W. W. Norton & Company.
12. World Bank. (1992). *World development report 1992: Development and the environment*. Oxford University Press.